



وحدت و انسجام اسلامی

سید مهدی موسوی کاشمیری*

در این مقاله با اشاره به وجوه تمایز انسان با موجودات دیگر و ویژگی شعور و آگاهی در او، وحدت در زندگی بشر ضروری توصیف شده و مسلمانان از این قاعده ذو ضرورت جدا نیستند.

با اشاره به جایگاه وحدت در فرهنگ اسلامی و لزوم هم‌گرایی و معاشرت نیکو و تبیین عوامل تفرقه؛ مانند ناسزاگویی، ناشناخته بودن معارف مذاهب مختلف برای یکدیگر، توطنه دشمنان اسلام، خودنگری و قوم‌گرایی، به بحث پیرامون عوامل وحدت پرداخته شده و وجود نقاط مشترک، مانند قبله، قرآن، ماه رمضان، دوستی اهل بیت رسول خدا ﷺ و برخوردار بودن از دشمنان مشترک، ضرورت وحدت و هم‌گرایی پیروان مذاهب اسلامی را اثبات کرده است.

* نویسنده و محقق حوزه.

◀ درآمد

انسان‌ها در زندگی خود با دیگر جانداران مشترکاتی دارند مانند اجتماعی و گروهی زیستن، اما در همین حال، انسان دارای یک سلسله تفاوت‌هایی است که او را از حیوانات متمایز می‌سازد؛ مثلاً درست است که زندگی بشری در سایه اجتماع میسور و امکان‌پذیر است لکن چنین نیست که اجتماعی زیستن آدمی همچون مورچگان، موربانه‌ها و زنبورهای عسل ناآگاهانه و به حکم غریزه باشد، بلکه این حرکت در انسان از روی شعور و آگاهی و نوعی انتخاب است؛ انتخابی آگاهانه و از روی شناخت تا با هم‌نوعان خود آلفت و همدلی داشته باشد و احساس وحدت و یگانگی کند و در یک کلام می‌توان گفت: بنای حیات بشر بر پایه وحدت است.

در مرحله‌ای بالاتر، آن‌گاه که انسان‌ها با دعوت الهی «پذیرش ایمان به خدا و قیامت» مواجه شدند، گروهی آن را پذیرفتند و گروهی امتناع ورزیدند و آنگاه که این دعوت در صحنه حیات بشر به گونه‌ای جدی عرضه شد به طوری که دریافت کنندگان خردورز و بینش‌ورش، راهی جز پذیرش آن پیش روی خود ندیدند، مناسبات گذشته خود را کناری نهادند و صف خود را با منکران آن دعوت جدا کردند و معیاری تازه برای وحدت خود برگزیدند و آن ایمان به دعوت خداوندی بود.^۱

البته روشن است که این وحدت پایدار نمی‌ماند و پس از هر پیامبری، پیروان او با تفسیرها و تأویل‌های گوناگون از تعلیمات آن پیامبر و با دخالت دادن هواها و غرض‌های شخصی، قومی و بانندی در این زمینه، فرقه‌ها و نحله‌های گوناگونی را پدید می‌آوردند و باز تفرقه آشکار می‌شد.

در دامن اسلام نیز این پدیده رخ نموده و ده‌ها فرقه و گروه اعتقادی، فقهی و معارفی در آن

۱. علامه طباطبایی رحمته‌الله می‌نویسد: اختلاف در زندگی بشر بر دو نوع است:

الف) اختلاف‌هایی که در مسائل زندگی روزمره و تجاوزهایی که به حقوق یکدیگر صورت می‌پذیرد که پیامبران آمده‌اند تا در این اختلاف‌ها بین بشر داوری کنند.

ب) اختلافی که در اصول و قروع و معارف دین الهی و در درون آن، توسط عالمان و پیشوایان دین پدید می‌آید. البیزان، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ج ۱۰، صص ۲۲-۳۱

تردید نیست که اصل ظهور یک پیامبر در بین جمعیتی، خود منشأ بروز اختلاف و دوگانگی بوده است که عده‌ای به او گرویده و گروهی نیز کفر می‌ورزیدند.

مرحوم علامه در تقسیم بندی خود، به این نوع اختلاف اشاره‌ای نمی‌کند.



«انسجام اسلامی»
در کنار «وحدت
ملی» در پیام
نوروزی رهبری
انقلاب، این پیام را
دارد که توجه به
منافع و مصالح
ملی، جدا از منافع
و مصالح امت
اسلامی نیست.

به وجود آمده است که جمع کردن آن در وضعیت کنونی کاری
ناممکن است.

امروزه وقتی از سوی بزرگان و اصلاحگران دین، بر وحدت
اسلامی تأکید می‌شود، هیچ‌گاه چنین مقصودی را از آن در نظر
ندارند، بلکه مقصود آنان توجه به تعلیمات نخستین پیامبر ﷺ به
عنوان نقاط مشترک و به فراموش سپردن اختلافات درون دینی، در
مناسبات و ارتباطات ملل اسلامی است و این خواسته‌ای است که هم
ممکن است و هم لازم.

در طول تاریخ، همواره امت اسلامی شاهد حضور مردان بزرگی
بوده است که پرچم دار این وحدت میمون بوده‌اند و با تلاشی پی‌گیر
در جهت تحقق این هدف متعالی گام‌های بلندی برداشته‌اند که
می‌طلبید این اقدام‌ها از سوی فرزندگان، دنبال شود تا به نتیجه
مطلوب برسد.

آمدن «انسجام اسلامی» در کنار «وحدت ملی» در پیام نوروزی
رهبری انقلاب، این پیام را دارد که توجه به منافع و مصالح ملی، جدا
از منافع و مصالح امت اسلامی نیست. ما در عین رعایت منافع و
پاسداری از آن چه خود داریم و بدان پای بندیم، باید به مصالح جهان
اسلام نیز بیندیشیم و با تأکید بر محوریت نقاط مشترک مذاهب، در
جهت وحدت امت اسلامی، گام‌هایی بلند برداریم.

◀ فصل یک: کلیات

◀ ۱/۱. ارزش و جایگاه وحدت

در جهان هستی اصل بر وحدت است. مبدأ آفرینش عین وحدت
و حتی در خصوص او واحدیت که شائبه کثرت دارد، روانیست، بل
مفهوم صادق درباره او احدیت و یکتایی است. اطلاق واحد بر او در
برخی تعبیرها لفظی است و معنای مقصود از آن یکتایی است.

«اساساً کثرت و گونه‌گونی، شایسته او نیست و ترکیب نشانه احتیاج، نقص و
نارسایی است. در ذات او که میرای از کثرت است، آن چه از او صادر می‌شود
نیز جز واحد نیست و قاعده مسلم نزد ارباب حکمت است که: **الْوَاحِدُ لَا
يَضُدُّ مِنْهُ إِلَّا الْوَاحِدُ**»^۱.

این فیض صادره، از جنبه صدور واحد است و تعینات، تشخصات و کثرت زائیده حدود،
ماهیات و عالم امکان است.

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد
در انواع موجودات، نماد این وحدت، در تعاون و همیاری است که اجزای هر یک از
موجودات مرکب و نیز هر یک از مجموعه‌ها مکمل یکدیگرند و این هماهنگی در اجزای هر
کدام از مظاهر طبیعت، نشانه سلامت آن است.

در عالم تشریح نیز هیچ اتهامی همچون شرک و کثرت بر خداوند ناروا نیست.^۲ حتی در
مقام ایمان نیز وحدت ایمانی را می‌خواهد و باور به برخی و نپذیرفتن برخی دیگر از
اعتقادات را با رد کل آن برابر دانسته است.^۳

و نیز برای ایمان پذیرفته، تنها اعتقاد به پیامبر اسلام را کافی ندانسته و با این که ایمان به
پیامبری انبیای گذشته، با وجود ایمان به پیامبر اسلام در مقام عمل، چندان دخالتی در
سرنوشت انسان ندارد، اعتقاد به آن‌ها و کتاب‌های آسمانی آنان را جزئی از ایمان مقبول
برشمرده است و می‌فرماید:

﴿أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَ
رُسُلِهِ لَا نَفَرَقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ
الْمَصِيرُ﴾^۴.

«پیامبر به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده است (و او به
تمام سخنان خود کاملاً مؤمن می‌باشد) و همه مؤمنان (نیز) به خدا و فرشتگان
او و کتاب‌ها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند (و می‌گویند): ما در میان هیچ‌یک

۱. صدرالدین محمد شیرازی، الأسفار الأربعة، قم، انتشارات مصطفوی، ج ۲، صص ۲۰۹-۲۰۴.
۲. ر.ک. به: نساء: ۴۸.
۳. ر.ک. به: نساء: ۱۵۰.
۴. بقره: ۲۸۵.



از پیامبران او فرق نمی‌گذاریم (و به همه ایمان داریم) و (مؤمنان) گفتند: ما شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! (انتظار) آمرزش تو را (داریم) و بازگشت (ما) به سوی توست.»

از گذشتگان خواسته است تا به آیندگان و از آیندگان می‌خواهد تا به گذشتگان ایمان آورند تا از آغاز دعوت توحیدی تا پایان آن یک سلسله فراهم آید و هر دوره‌ای از آن حلقه‌ای در مجموع این زنجیره باشد و گذشته را به آینده و آینده را به گذشته پیوند دهد.

همه آن چه یاد شد از آن رو است که خداوند چون خود واحد است، وحدت را دوست می‌دارد و پراکندگی و گسیختگی را بر نمی‌تابد و این حقیقت را، هم در تکوین و هم در تشریح بروز و نمود داده است. گویی وحدت جان هستی و قبله تمامی موجودات، جریان‌ها و حرکت هاست.

ولذا پروردگار جهان دودستگی و نزاع را در اردوگاه ادیان توحیدی مقبول خود ندانسته است و در قرآن کریم به پیامبرش سفارش می‌کند که به اهل کتاب بگوید: اگر به دین جدید نمی‌گرزید دست کم بیایید در عقائد مشترک با هم همدل و هم‌نوا باشیم.

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾^۱

«(بگو:) ای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را - غیر از خدای یگانه - به خدایی نپذیرد. هرگاه (از این دعوت) سرباز زنند، بگویند: گواه باشید که ما مسلمانیم.»

بنابراین، هم در عالم تکوین و هم در حوزه تشریح اصل بر وحدت است. بر اساس این اصل، اختلاف و دوگانگی، قدمگاه و معبر خوبی است، ولی منزلگاه بد و زبان باری است و اگر بر اثر عواملی به منزلگاه تبدیل شد، بی تردید هر اقدامی در جهت گسترش و توسعه دامنه آن برخلاف خواست الهی و مغایر با سنت خداوندی در تکوین و تشریح است، همچنان که خلاف داور عقل نیز هست.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«الْمُؤْمِنُ أَحُّ الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِنْ اشْتَكَى شَيْئاً مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ وَأَزْوَاحُهُمَا مِنْ رُوحٍ وَاحِدَةٍ»^۱

«مؤمن برادر مؤمن است، هم چون یک جسد است که اگر عضوی از آن به درد آید، اثر آن در سایر اعضا پدیدار می‌گردد و روح‌های آن دو از یک روح است.»

به سروده سعدی:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار
جهت حساسیت اعضای یک بدن نسبت به درد هم، داشتن روح واحد است، و اگر جامعه‌ایمانی هم دارای یک روح شد؛ این گونه خواهد بود.

به نوشته برخی بزرگان: «علم و عمل از مقوله جوهرند»^۲ بدین معنا که این دو، روح انسان را - که از مقوله جوهر است - می‌سازند و به آن شکل مناسب با خود می‌دهند. از سوی دیگر، قرآن مجید از نور ایمان، تعبیر به روح کرده است.^۳ برای این اساس وقتی روح‌های آدمیان از منبع واحدی تغذیه کردند و روح ایمان در آنان دمیده شد، واحد می‌شوند، هر چند در ظاهر، بدن‌ها از هم جدا باشند.

◀ ۲/۱. همکاری و معاشرت نیک

حفظ وحدت و یکپارچگی امت اسلامی و معاشرت نیکو با مخالفان مذهب شیعه، همواره مورد تأکید و توصیه اهل بیت علیهم السلام بوده است. در دوران امامان علیهم السلام شیعیان آن‌ها نسبت به مخالفان خود گروهی اندک به شمار می‌آمدند و آنان به جهت بر حق ندانستن اعتقاد اکثریت مردم، در مشروعیت ارتباط و حسن رفتار با آن‌ها، به تردید می‌افتادند و لذا در این خصوص از آن بزرگواران می‌پرسیدند و آنان نیز بر خوش رفتاری و حسن سلوک با آن‌ها سفارش و اصرار می‌ورزیدند.

۱. شبر، سید عبدالله، الأخلاق، قم، کتابفروشی بصیرت، ج ۵، ص ۹۶

۲. حسن زاده آملی، حسن، هزار و یک نکته، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ سوم، ۱۳۷۲، ج ۱، ص

۱۵۳، نکته ۱۳۹

۳. مجادله: ۲۲



معاویه بن وهب می گوید:

«قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: كَيْفَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَضَعَ فِيمَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا وَفِيمَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ خُلَطَائِنَا مِنَ النَّاسِ؟ قَالَ: تَوَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ وَتَقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ وَتَعُوذُونَ مَرْضَاهُمْ وَتَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ»^۱

«چگونه شایسته است با قوم خود و کسانی از مردم که با آنان مراوده داریم، رفتار نماییم؟ حضرت فرمودند: نسبت به آنان امانت دار باشید و به سود و ضررشان اقامه شهادت کنید و از میزبان آن‌ها عیادت نمایید و در تشییع جنازه شان شرکت کنید.»
امام صادق عليه السلام در بخشی از سخنان خود به زیدبن شحام می گویند:

«صَلُّوا عَشَائِرَكُمْ، وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ، وَ عُوذُوا مَرْضَاهُمْ، وَ أَدُّوا حُقُوقَهُمْ، فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرِعَ فِي دِينِهِ وَ صَدَقَ الْحَدِيثَ وَ أَدَّى الْأَمَانَةَ وَ حَسَّنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ. قِيلَ: هَذَا جَعْفَرِيُّ فَيَسْرُئِي ذَلِكَ وَ يَدْخُلُ عَلَيَّ مِنْهُ الشُّرُورُ وَ قِيلَ هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ وَ إِذَا كَانَ عَلَيَّ غَيْرَ ذَلِكَ دَخَلَ عَلَيَّ بِلَاؤُهُ وَ عَارُهُ وَ قِيلَ هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ»^۲

«با عشیره و طایفه خود ارتباط داشته باشید و بر جنازه‌های آن‌ها حاضر شوید و میزبان‌هایشان را عیادت کنید و حقوقشان را بپردازید؛ زیرا هرگاه شخصی از شما پرهیزگار و راست‌گفتار و امانت‌دار و خوشرفتار با مردم باشد، گفته می‌شود این شخص جعفری است و این گفته مرا خوشحال می‌کند و موجب سرور من می‌شود که گفته می‌شود این اثر ادب جعفری است و اگر چنین نباشد - چون به ما وابسته‌اید - آن را به امانت نسبت می‌دهند و مایه ننگ و عار ما خواهد بود.»

معاویه بن وهب می گوید:

«قُلْتُ لَهُ: كَيْفَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَضَعَ فِيمَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا وَبَيْنَ خُلَطَائِنَا مِنَ النَّاسِ مِمَّنْ لَيْسُوا عَلَيَّ أَمْرِنَا؟ قَالَ: تَنْظُرُونَ إِلَى أَيْمَتِكُمُ الَّذِينَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ فَتَضَعُونَ مَا يَعْشُرُونَ قَوْلَ اللَّهِ إِنَّهُمْ لَيَعُوذُونَ مَرْضَاهُمْ وَيَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ وَتَقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ»

۱. رسائل النبی، مکتب الاسلامیه، ج ۸، ابواب احکام العشره، باب ۱، ص ۳۹۸، ح ۱

۲. همان، ح ۲

۳. معاویه بن وهب بجلی، از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام نقل حدیث می‌کند.

ر.ک. به: اردبیلی محمد بن علی، جامع الرواة، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۲، ص ۲۴۱

وَعَلَيْهِمْ وَ يُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ»^۱

«به امام معصوم علیه السلام گفتیم: با کسانی از قوم و قبیله خود که با ما هم عقیده نیستند، چه رفتاری داشته باشیم؟ فرمودند: می‌نگرید به پیشوایان آن که از آنان پیروی می‌کنید که چگونه عمل می‌کنند. به خدا سوگند آن‌ها از میزبان آنان عیادت می‌کنند و بر جنازه هاشان حضور می‌یابند و به سود و زیان آنان اقامه شهادت می‌کنند و نسبت به آنان امانت داری می‌کنند.»

◀ فصل دوم

◀ ۱/۲. عوامل تفرقه

۱/۲ - ۱. سب و ناسزاگویی

انسان وقتی به چیزی اعتقاد یافت، هر چند آن عقیده باطل باشد، نسبت به آن محبت قلبی می‌یابد و رفته رفته پیوندی عاطفی میان خود و آن ایجاد می‌کند. در این حال تعرض و تجاوز به حریم آن را تعرض به خود می‌شمارد و در برابر آن واکنش از خود نشان می‌دهد. بروز چنین حالتی، هم او را از پذیرش سخن حق دور می‌کند و هم به ناسزاگویی اش به عقاید حق وامی‌دارد و لذا هیچ‌گاه پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به بت‌های اعراب جاهلی و یا سردمداران کفر ناسزا و دشنام نداد، بلکه تلاش می‌کرد خرده‌های مردم بت پرست را بیدار کند و اذهان آنان را به ناتوانی بت‌ها و ناشایسته بودن عبادت آنان توجه دهد.

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۲

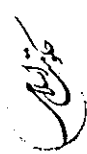
«(به معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبادا آن‌ها (نیز) از روی (ظلم و) نادانی خدا را دشنام دهند. این چنین برای هر امتی عملشان را زینت دادیم. سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است و آن‌ها را از آن چه عمل می‌کردند آگاه می‌سازد.»

علی بن ابراهیم از پدرش از مسعده بن صدقه نقل کرده است: از امام صادق عليه السلام درباره این

سخن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند که فرمود:

۱. پیشین، ص ۳۹۹، ح ۳

۲. انعام: ۱۰۸



«إِنَّ الشُّرَكَ أَخْفَى مِنْ دَيْبِ الثَّمَلِ عَلَى صَفَاةِ سَوْدَاءَ فِي لَيْلَةِ ظُلْمَاءَ»
 «شُرک پنهان‌تر از راه رفتن مورچه بر سنگ صاف سیاه در شب تاریک است.»^۱

آن حضرت در پاسخ فرمود: «مؤمنان (در صدر اسلام) معبودهای مشرکان را ناسزا و دشنام می‌گفتند، مشرکان نیز (در برابر آن) به آنچه مؤمنان می‌پرسیدند ناروا و بد می‌گفتند. سپس خداوند مؤمنان را از بدگویی به خدایان (دروغین) آنان بازداشت تا کافران خداوند متعال را ناسزا نگویند تا در نتیجه مؤمنان از جایی که خود توجه ندارند شرک به خدا ورزند (و در کار زشت مشرکان شریک گردند).»^۲

در این حدیث نکته‌ای جالب توجه است و آن این که در بسیاری از موارد انسان به گمان خدمت به عقیده و مرام خود به مقدسات مخالفان خویش توهین می‌کند. این توهین یقیناً فسادهایی به بار می‌آورد و گذشته از واکنش مشابه طرف مقابل، ناامنی‌ها، تکفیرها، قتل‌ها و تجاوزهایی را موجب می‌شود. مطابق این حدیث شریف ناسزاگوییان نخستین در تمام پی آمدهای آن، بی‌آن که خود بدانند، شریک‌اند که گویا خود مرتکب این کار شده‌اند.

حضرت رضاعلی (ع) در حدیث ابراهیم بن ابی محمود دسیسه دشمنان اهل بیت (ع) در زمینه جعل حدیث را درباره آنان این چنین بیان می‌کنند:

«ای پسر ابی محمود! مخالفان ما روایت‌هایی در مورد فضائل ما ساخته‌اند که سه دسته است:

۱. روایات غلوآمیز
 ۲. روایت‌هایی که مضمون آن‌ها کوتاهی و تنقیص در حق ماست.
 ۳. برخی نیز به بدگویی از دشمنان ما پرداخته است.
- وقتی مردم روایاتی را که در مورد ما زیاد روی کرده است می‌شنوند، شیعیان و پیروان ما را به کفر نسبت می‌دهند و آن‌ها را معتقد به ربوبیت ما بر می‌شمارند و آن‌گاه که به احادیث مربوط به تنقیص ما بر می‌خورند، آن را در باره ما می‌پذیرند و زمانی که حدیث‌هایی که از دشمنان ما بدگویی کرده است، به گوششان می‌خورد، به ما بد می‌گویند. خداوند می‌فرماید:
- «وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ عَدُوًّا بِغَيْرِ عِلْمٍ...»^۳

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۵۴

۲. طباطبایی، محمد حسین، میزان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق. ج ۷، ص ۳۲۳

۳. انعام: ۱۰۸

«(به معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید مبادا آن‌ها (نیز) از روی (ظلم) و جهل خدا را دشنام دهند.»

ای ابن محمود! هرگاه مردم به چپ و راست رفتند، تو راه ما را بگیر، به یقین کسی که ملازم راه ما باشد، ما با او بییم و کسی که از ما جدا شود، از او جداییم.»^۱

برخی روایات، درباره مخالفان اهل بیت، بیان تاریخ حیات و واقعیات زندگی و عملکرد آن‌ها است. گروهی دیگر، ضمن اشاره و یا بازگویی برخی حوادث تاریخی - راست یا دروغ - بالحنی تند، به بدگویی و لعن و دشنام به آنان پرداخته است، که مقصود حضرت رضاعلی (ع) نوع دوم است، نه قسم نخست.

بی تردید یکی از عوامل اساسی تفرقه میان گروه‌ها و مذاهب اسلامی، سب و ناسزاگویی برخی طرفداران تند و عصبانی هر مذهب بر ضد عقاید مذهب دیگر است.

نکته اساسی این است که در این باره باید قول و فعل با هم برابر باشند. برگزاری نشست‌ها و کنگره‌ها در این باره، زمانی سودمند است که مفاد آن در عمل طرفداران مذاهب نیز تجلی یابد، در حالی که واقعیت در برخی موارد این گونه نیست و گاهی به بهانه دفاع از خلفا و یا دفاع از اهل بیت (ع) و مانند آن به مقدسات یکدیگر اهانت می‌شود که بی تردید از دیدگاه اسلام کاری باطل و مایه امید و خشنودی دشمنان مشترک اسلام و مسلمین است.

۱/۲ - ۲. ناشناخته بودن

از قابلیت‌های انسان، امکان دسترسی او به حقایق و معارف است که ریشه در فطرت جستجوگری و حقیقت‌جویی او دارد. محقق نیز کسی است که به این ندای فطرت پاسخ مثبت می‌دهد و هر شنیده و یا خوانده‌ای را بی تحقیق مطمئن، نمی‌پذیرد.

۱. محمدبن علی بن حسین بابویه قمی، عین اخبار الرضا، بیروت، مؤسسه‌اعلمی،

چاپ اول، ۱۴۰۴ق. ج ۲، ص ۲۷۲

بی تردید یکی از عوامل اساسی تفرقه میان گروه‌ها و مذاهب اسلامی، سب و ناسزاگویی برخی طرفداران تند و عصبانی هر مذهب بر ضد عقاید مذهب دیگر است.



مهمترین عامل
اقتدار امت
اسلامی کلمه
توحید و
وحدت کلمه
است.

بسیاری از مردم از تحقیق بدوراند و قضاوت خود درباره دیگران
و عقاید آنان را بر اساس شنیده‌های خود شکل می‌دهند و لذا بسیاری
از موارد به خطا درباره دیگران دآوری می‌کنند و این خود از علل
عمده تفرقه و جدایی است.
امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمایند:

«النَّاسُ أُعْدَاءُ مَا جَهِلُوا»؛ «مردم دشمنان چیزی هستند
که به آن جاهل‌اند»^۱

دشمنی بسیاری نسبت به حقایق، بدان علت است که آنان تصور
صحیحی از آن ندارند، اگر این تصور درست شود، جاذبه حقیقت
آن‌ها را به سوی خود می‌کشد.

برای مثال، سجده بر مهر، قرآن و صیانت آن از تحریف، تکبیر
پس از نماز، نظریه شیعه درباره صحابه، توسل و مانند آن نزد شیعیان،
به گونه‌ای است که اگر درست شناخته شوند، خود عامل وحدت‌اند،
در حالی که همین مسائل در اثر عدم شفافیت آن نزد اهل سنت و
تصورات خطا درباره آن‌ها، به عاملی بزرگ در جهت ایجاد تفرقه
میان امت تبدیل گشته‌اند.

به همین سان بسیاری از شیعیان تصور می‌کنند که اهل سنت با
اهل بیت علیهم السلام میانه خوبی ندارند و با آنان مخالف‌اند و از این رو، در
دآوری خود نسبت به آن‌ها زیاده روی می‌کنند.

بی‌تردید برنامه‌ریزی در جهت رفع این ابهام‌ها در حدّ زیادی به
تقریب و وحدت امت اسلامی مدد می‌رساند که تجربه نیز گویای
آن است.

۱/۲-۳. توطئه دشمنان

مهمترین عامل اقتدار امت اسلامی کلمه توحید و وحدت کلمه
است و لذا بیشترین تیرهای زهرآگین دشمنان نیز به همین سو نشانه

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۲

رفته است.

اخیراً کتابی به نام «نقشه‌ای برای جدایی مکاتب الهی» در امریکا انتشار یافته است، در آن
گفتگوی مفصلی با دکتر «مایکل برانت» یکی از معاونان سابق سازمان اطلاعات مرکزی
آمریکا (سیا) انجام شده است. او در این گفتگو به طرح‌هایی اشاره می‌کند که بر ضدّ مذهب
شیعه و شیعیان تدارک شده است.

در بخشی از این کتاب آمده است:

«در یک گردهمایی که با حضور مقامات سیاسی سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا)
برگزار شد، تصویب شد که بر روی مذهب شیعه تحقیقات بیشتری صورت گیرد و طبق این
تحقیقات برنامه‌ریزی‌هایی داشته باشیم.

به همین منظور چهل میلیون دلار بودجه برای آن اختصاص دادیم و این پروژه در سه
مرحله به ترتیب زیر انجام شد:

۱. جمع‌آوری اطلاعات و آمار.

۲. اجرای اهداف کوتاه مدت با انجام تبلیغات علیه شیعیان و راه‌اندازی اختلافات
مذهبی میان شیعیان با دیگر مذاهب اسلامی.

۳. اجرای اهداف بلند مدت جهت از بین بردن این مذهب بر اساس مرحله اول پروژه،
محققانی به سراسر جهان اعزام شدند که به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

الف) شیعیان در کدام مناطق جهان و در هر منطقه چه میزان نفوذ دارند؟

ب) چگونه تضادهای داخلی شیعیان را می‌توان تحریک کرد؟

ج) چگونه بین شیعیان و سنی‌ها اختلاف انداخته و از این اختلاف‌ها بهره‌برداری
کنیم؟...»^۱

۱/۲-۴. برآورد خطا نسبت به اقتدار دشمن

از عوامل تفرقه میان امت اسلامی، اختلاف دیدگاه نسبت به اقتدار و توانایی دشمن است.
بزرگ آمدن قدرت دشمن مشترک در تصور بخشی از جهان اسلام موجب می‌شود آنان
از بسیاری از مواضع اصولی و منافع امت اسلامی چشم‌پوشند و به اردوگاه دشمن نزدیک
شوند ولی در مقابل، آنان که چنین تصویری ندارند و در برآورد خود نسبت به توانایی‌های او

۱. نقل از روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۸۳/۳/۵، ش ۷۲۰۳، ص ۱۶



به گونه‌ای دیگر می‌اندیشند، راه دیگری را برگزینند.
قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَأَاهُمْ كَثِيرًا لَفِشَلْتُمْ وَتَنَاوَضْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾^۱

«در آن هنگام که خداوند تعداد آن‌ها را در خواب به تو کم نشان داد و اگر فراوان نشان می‌داد مسلماً سست می‌شدید و (درباره شروع جنگ با آن‌ها) کارتان به اختلاف می‌کشید ولی خداوند (شما را از شر این‌ها) سالم نگه داشت، خداوند به آنچه درون سینه‌هاست، داناست.»

هم اکنون به وضوح مشاهده می‌شود که برآورد خطای برخی زمامداران و دولت‌های کشورهای اسلامی از میزان توانایی قدرت‌های استکباری دنیا و بزرگ‌نمایی این قدرت‌ها از توانمندی خود، آنان را به همسویی با سیاست‌های استکبار و مقابله با آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی کشانده است.

به نظر می‌رسد اگر مسئولان سیاست خارجی جمهوری اسلامی توفیق یابند، این حقیقت تجربه شده در ایران را به مسئولان و رهبران دولت‌های اسلامی تفهیم کنند که دشمنان اسلام هر چند به لحاظ امکانات نظامی و غیر آن توانایی فراوانی دارند، ولی بی‌تردید این توانایی‌ها در برابر ایمان و وحدت امت اسلامی هیچ کاری از پیش نمی‌برد، گامی بلند در جهت همنوایی و وحدت امت برداشته‌اند.

۱/۲- ۵. خودنگری و قوم‌گرایی

از عوامل مهم جدایی انسان‌ها و تفرقه میان آن‌ها خودبینی است. خودنگری در حوزه فردی، انسان را محروم از معاشرت نیکو با دیگران می‌سازد و در سطح اجتماعی و فراملی، مایه تفرقه و جدایی گروه‌ها و ملت‌ها از یکدیگر است.

قدرت‌های استعماری برای سرگرم کردن مسلمانان به مسائل داخلی و منازعات نژادی و ملیتی، امپراتور بزرگ عثمانی را پاره پاره کردند تا هر دسته‌ای از مسلمانان در عرض مصالح و منافع امت اسلامی بر حول محور کشور، قوم و نژاد خود بیندیشد و حتی گاهی منافع خود

را در تضاد با کشور اسلامی دیگر برشمارد.

قرآن کریم بهانه‌گروهی از منافقان را که از شرکت در جنگ احزاب سر باز زدند، این چنین بیان می‌کند:

﴿وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا * وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِذْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا﴾^۱

«و (نیز به خاطر آورد) زمانی را که منافقان و بیماردلان می‌گفتند: خدا و پیامبرش جز وعده‌های دروغین به ما نداده‌اند و (نیز به خاطر آورد) زمانی را که گروهی از آن‌ها گفتند: ای اهل یثرب (ای مردم مدینه)! اینجا جای توقف شما نیست به خانه‌های خود باز گردید. و گروهی از آنان از پیامبر اجازه بازگشت می‌خواستند و می‌گفتند: خانه‌های ما بی حفاظ است، در حالی که بی حفاظ نبود، آن‌ها فقط می‌خواستند (از جنگ) فرار کنند.»

در منطق اینان خانه‌های خود مطرح است نه امنیت و مصالح کل مدینه با آن که هدف دشمنان اسلام نابودی کل مدینه است، ولی در اندیشه آنان مدینه خانه‌هایی است که هر کس باید تنها دغدغه پاسبانی از آن را داشته باشد، نه یک خانه که هر یک از افراد را مسؤول پاسداری از کل آن کند و این یعنی فرار از مسؤولیت اجتماعی و انسانی.^۲

اکنون در سطح دنیا مرزها کمرنگ‌تر می‌شود و کشورها بر نقاط مشترک خود تأکید کرده و بر اساس آن اتحادیه‌ها شکل می‌گیرد. در این وضعیت به نظر عقل و شرع، ضرورت اقتضا می‌کند که کشورهای اسلامی نیز به این اصل عقلی و شرعی باز گردند و به جای شعار ﴿إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ﴾^۳ به مصالح و منافع امت اسلامی بیندیشند.

هم اکنون گفته می‌شود^۳ کشور سودان به منظور وحدت اسلامی شرط صدور ویزا را برای مسافران خارجی مسلمان به آن کشور لغو کرده که اقدامی شایسته است.

۱. احزاب: ۱۲ و ۱۳

۲. ر.ک. به: ملحة الوحدة، آراء و احادیث المفکرین الاسلامیین حول الوحدة الاسلامیة، تهران، مؤتمر القمة الإسلامی الثامن، مقالة: الشیخ سعید شعبان، صص ۱۷-۱۶

۳. همان، ص ۲۰



◀ فصل سه: عوامل وحدت

◀ ۳-۱. تأکید بر نقاط مشترک

پیش از این اشاره شد که منطق قرآن در دایره ادیان و مذاهب توحیدی، پس از دعوت به پذیرش آنچه حق است، فراخوان به وحدت، همگرایی و تأکید بر نقاط مشترک است. بی تردید نقاط همگون بین اهل کتاب و مسلمانان، هم در شماره و هم در کیفیت قابل مقایسه با پیروان مذاهب اسلامی نیست، که در ادامه، گذشته از اصول عقائد به چند مورد اساسی اشاره می‌کنیم:

۳-۱-۱. کعبه

امام صادق علیه السلام فرمود:

«لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ».

«تا وقتی کعبه پا برجا است، دین نیز پایدار خواهد ماند.»^۱

بی‌شک این پایداری و قوام در سایه وحدت و اجتماع امت است. بالاتر این که اگر در موضوع حج تأمل شود به دست می‌آید که اساساً گردهم‌آیی در حج، هر چند همچون اجتماع در نماز جمعه، در ذات آن گرفته نشده است، ولی بی تردید یکی از اهداف اصلی آن به شمار می‌رود.

نماز جمعه به منظور برگزاری عبادت جمعی در هر هفته و حج به قصد ایجاد اجتماعی بزرگ از سراسر دنیای اسلام و برقراری الفت و وحدت امت اسلامی در عبودیت و بندگی خداوند است.

هر مسجدی که بنا شود خانه خدا و معبد است و خداوند می‌تواند همان فضیلت کعبه را به هر مسجدی بدهد و اگر موضوع حج صرفاً یک امر عبادی باشد، چه نیازی است بر کوچ دادن مردم از نقاط مختلف دنیا به یک مکان، با آن همه زحمت‌ها و سختی‌ها!

وانگهی محدود کردن این اجتماع در زمان معین و مشخص، به ویژه در وقوف‌ها، به گونه‌ای که برخلاف نماز حتی فضا در آن مقرر نشده و اگر حاجی در وقت تعیین شده به اعمال حج نرسد باید تا سال دیگر در انتظار بماند، همه نشان دهنده این است که هدف اصلی

قرآن

سال دوازدهم / شماره سوم

۱. وسائل النبی، تهران، المکتبه الاسلامیه، ج ۸، ص ۱۴

از برگزاری چنین مراسم بی‌مانندی، دیدار، آشنایی، ایجاد محبت ایمانی و پیوند برادری، آگاهی از احوال یکدیگر و برقراری وحدت بزرگ امت اسلامی و صف بندی در برابر کفر جهانی است.

و لذا وقتی قریشیان از روی خود برترینی در وقوف به عرفات و کوچ از آن به مشعر الحرام جمعی جدا داشتند و راهی غیر از سایر مسلمانان برگزیدند، از این کار نهی شدند و به آنان دستور داده شد تا به جمع سایر مسلمان‌ها بیوندند و از همان راهی روند که مسلمانان دیگر می‌پیمایند.^۱

از این رو و در جهت تحکیم پایه‌های وحدت مسلمانان، تلاش در رونق دادن کار حج و بالاتر تأکید بر مایه‌های تحکیم وحدت امت در این مراسم، به ویژه شرکت بیش از پیش شیعیان در نمازهای جماعت و جمعه اهل سنت، از بایسته‌هاست.

پیروی از مکتب اهل بیت عصمت علیهم السلام هر چند تکلیفی بزرگ و از اسطوانه‌های دین است ولی پاسداشت اصل دین و حفظ کیان آن که تنها در سایه وحدت اسلامی و پرهیز از اختلاف قابل دست‌یابی است تکلیفی بزرگ‌تر است.

۳-۱-۲. قرآن

از وجوه مشترک عمده میان مذاهب اسلامی، قرآن کریم است و این بدان جهت است که قرآن برخلاف کتاب‌های آسمانی دیگر، از دستبرد مصون مانده است و تمامی مذاهب اسلامی، بی‌کم و کاست آن را پذیرفته و بدان ایمان دارند.

البته قرآن به تنهایی برای ایجاد وحدت درون دینی، کارآمد و مناسب نیست؛ زیرا هر یک از مذاهب و نحله‌های اسلامی با اعتقادات مختلف بدان تمسک کرده و می‌کنند و این کار نتوانسته است میان آن‌ها وحدت آفرین باشد، چنین کاری نیازمند مفسران امین و بدور از خطایی است که بیان آن‌ها «قول فصل» باشد و چنین کسانی را جز در خصوص امامان شیعه کسی مدعی نشده است که در زیارت جامعه می‌خوانیم:

«وَبِمَوَالِيكُمْ تَمَّتْ الْكَلِمَةُ وَ عَظُمَتِ النُّعْمَةُ وَ اِثْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ»؛ «با پذیرش ولایت

شما، کلمه توحید تمام می‌شود و نعمت (خداوند) بزرگ می‌گردد و جدایی‌ها



به هم‌نواایی تغییر می‌یابد...»^۱

کارآمدی قرآن در جهت ایجاد وحدت امت اسلامی برون دینی و در برابر استکبار جهانی است که از دور راه میسر است:

الف) تأکید بر ایمان مشترک به آن

ب) اهتمام بیشتر به آن در تحقیقات و در عمل به آموزه‌های آن

۳-۱-۳. ماه رمضان

روزه هر چند به ظاهر عبادتی فردی است ولی در واقع دارای بُعد اجتماعی بسیار مؤثری است. این احساس که با حلول ماه مبارک رمضان تا پایان آن، هر مسلمانی در هر جای دنیا، همه روزه از ساعتی معین تا لحظه‌ای خاص امساک می‌کنند، عالی‌ترین نماد و نمایش وحدت اسلامی است که در دنیای امروز کاملاً قابل فهم است، هر چند در جهان اسلام مورد غفلت است.

به نظر می‌رسد تبادل تبریک میان مسئولان کشورهای اسلامی به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان و عید فطر در سطحی گسترده، برگزاری مسابقات باشکوه قرآنی میان کشورهای اسلامی در این ماه، اعلام ماه رمضان به عنوان ماه وحدت امت اسلامی، برگزاری مراسم افطاری از سوی سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی در کشورهای مختلف و دعوت از شخصیت‌های فرهنگی و مؤثر در آن مراسم، افزایش روزهای تعطیلی به مناسبت عید فطر در هر سال به منظور هماهنگی بیشتر با سایر کشورهای اسلامی و برگزاری راهپیمایی روز قدس در این کشورها و مانند آن، اقداماتی است که می‌توان از آن در جهت احیای بُعد اجتماعی ماه مبارک رمضان و تقویت وحدت اسلامی بهره برد.

۳-۱-۴. دوستی اهل بیت

به اعتقاد شیعه، مسلمانان درباره‌ی اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام وظایفی دارند که یکی از آن‌ها دوستی و محبت آنان است و این دوستی از ضروریات دین است و کسی که فاقد آن باشد مسلمان نیست و محکوم به نجاست است.^۲

قرآن کریم می‌فرماید:

۱. روضة المتین، ج ۵، صص ۴۹۵ و ۴۹۶

۲. ر.ک. به: مستند الشیعه، ج ۶، ص ۲۷۰؛ جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۳۲؛ تهریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۱۸

﴿...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ...﴾^۱

بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیتم)....»

لزوم مودت اهل بیت، مشترک میان پیروان تمام مذاهب اسلامی است که در این خصوص دو تصور غلط مانع استفاده درست از این موضوع در جهت وحدت اسلامی است.

الف) بسیاری از پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بر این پندارند که دوستان اهل بیت علیهم‌السلام تنها شیعیان هستند و غیر آن‌ها نسبت به خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ارادتی ندارند و این خود مایه بدبینی و ناخشنودی است در حالی که کتاب‌های قطوری که غیر شیعیان در خصوص فضائل و مناقب اهل بیت علیهم‌السلام و لزوم مودت آنان نوشته و منتشر کرده‌اند، بسیار است که آگاهی از آن برای شیعیان پرجاذبه و در رفع این سوء تفاهم‌ها گامی مؤثر خواهد بود.

ب) در برابر این گمانه، تصور برخی اهل سنت این است که شیعیان درباره‌ی امامان خود زیاده روی و غلو می‌کنند و آنان را خدا یا پیامبر می‌دانند و اعتقاد برخی به ظاهر وابستگان به مرام تشیع را که چنین باورهای غلط و انحرافی دارند، به همه شیعیان نسبت می‌دهند. بی‌شک این تصور خطا که از سوی برخی محافل وابسته به استعمار نیز ترویج می‌شود، ضربه محکمی بر اساس وحدت اسلامی است در حالی که هر چند امامان از امام علی تا امام هادی علیهم‌السلام همواره با چنین افراد و گروه‌هایی، با این اعتقادات باطل مواجه بودند، ولی تندترین و شدیدترین مبارزه فرهنگی را با آنان داشتند و هرگاه از آنان یاد می‌کردند و یا سخنی از آن‌ها به میان می‌آمد، بالعن و نفرین و اظهار بیزاری از آنان و مباح دانستن خون آن‌ها، مردم را از آنان برحذر می‌داشتند.

شاید برخورد امامان شیعه با هیچ‌یک از پیروان مذاهب و مرام‌های باطل به شدت و صراحت آنان در برخورد با «غلاة» نبوده است. برای نمونه وقتی یکی از یاران حضرت صادق علیه‌السلام در این باره از آن حضرت می‌پرسد، این چنین پاسخ می‌شود:

«يَا سَدِيدُ سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ شَعْرِي مِنْ هَؤُلَاءِ بَرَاءٌ وَ تَبْرَأُ
اللَّهُ مِنْهُمْ مَا هَؤُلَاءِ عَلَى دِينِي وَ لَا عَلَى دِينِ آبَائِي وَ اللَّهُ لَا يَجْتَمِعُنِي اللَّهُ وَ إِبَائِهِمْ يَوْمَ



الْقِيَامَةِ إِلَّا وَهُوَ سَاحِطٌ عَلَيْهِمْ»^۱.

«ای سدیر، گوش، چشم، پوست، گوشت، خون و موی من از آنان (غلاة) بیزار است. خدا از آنان بیزار است. آن‌ها بر دین من و پدران من نیستند و خداوند روز قیامت بین ما و آنان گرد نخواهد آورد مگر این که بر آن‌ها خشمناک خواهد بود.»

برخی کارها و حرکات‌ها نیز از برخی عوام شیعه - مانند هیئت سجده گرفتن نزد قبور ائمه، دست به سوی آسمان دراز کردن به وقت بردن نام آن‌ها و یا القاب و عناوین غلوآمیزی که برخی مداحان ناآگاه، مغرض و یا تحریک شده بر زبان می‌آوردند - به گونه‌ای است که زمینه این اتهام را به شیعیان، نزد اهل سنت تشدید می‌کند.

حضرت رضا علیه السلام روایات غلوآمیز در مورد اهل بیت علیهم السلام را ساخته دست دشمنان می‌داند که برای بدنام کردن شیعیان و متهم ساختن آنان به اعتقاد به ربوبیت امامان، جعل کرده‌اند.

۳-۲. دشمن مشترک

از عوامل ایجاد وحدت میان افراد و گروه‌ها، احساس وجود دشمن مشترک است.

دشمن متجاوز گاهی قصد تجاوز به چند گروه و یا کشور را می‌کند و گاهی به نقطه‌ای که برای دو گروه و یا ملتی مقدس و ارزشمند است هجوم می‌برد. وجود چنین دشمنی در هر دو مورد زمینه وحدت و انسجام مردمی که مورد تهاجم‌اند را فراهم می‌کند. وجود دشمن مشترک هر چند قادر نیست اختلاف و نزاع بین دو گروه را ریشه کن سازد، ولی بی‌تردید در تخفیف جدایی‌ها و جلب همکاری و تعاون میان آن‌ها تأثیر جدی دارد.

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا فَاتَّبِعُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ اذْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفَرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾^۲.

«و نیز برای این بود که منافقان شناخته شوند، آن‌هایی که به ایشان گفته شد:

بباید در راه خدا نبرد کنید یا حداقل از حریم خود دفاع نمایید. گفتند: اگر می‌دانستیم جنگی روی خواهد داد، از شما پیروی می‌کردیم (اما می‌دانیم جنگی نمی‌شود). آن‌ها در آن هنگام به تو نزدیکتر بودند تا به ایمان، به زبان خود چیزی می‌گویند که در دل‌هایشان نیست و خداوند به آن چه کتمان می‌کنند آگاه‌تر است.»

بعضی از مسلمانان (که به گفته ابن عباس عبدالله بن عمرو بن حزام بوده است) هنگامی که دید عبدالله بن ابی بن سلول با یارانش در مسیر حرکت مسلمانان به سوی احد، خود را از لشکر اسلام کنار کشیده‌اند و تصمیم بازگشت به مدینه دارند، گفت:

«بباید به خاطر خدا و در راه او پیکار کنید و حداقل در برابر خطری که وطن و خویشان شما را تهدید می‌کند، بایستید»^۱
عبدالله بن ابی به بهانه این که پیامبر پیشنهاد ما در خصوص ماندن در مدینه و دفاع از آن را نپذیرفته با حدود سیصد نفر از همفکران خود از سپاه اسلام بیرون رفتند، در حالی که قریشیان قصد مدینه کرده بودند و آن شهر، خانه و کاشانه مشترک قبایل ساکن در آن بود و به حکم عقل باید همگان اختلاف‌ها و گلیایه‌های جزئی را کنار می‌نهادند و برای دفاع از آن و دفع خطر دشمن مشترک بسیج می‌گشتند.

هم اکنون نیز جهان اسلام با دشمنان مشترک و خطرناکی روبروست که عقل و دین اقتضای وحدت در برابر آنان را دارند.

امام خمینی علیه السلام در این باره می‌گویند:

«امروز روزی است که تمام طوایف اسلامی مقابل هستند با قدرت‌های شیطانی که اساس اسلام را می‌خواهند از بین ببرند. این قدرت‌هایی که دریافته‌اند که آن چیزی که خطر برای آن‌ها دارد اسلام

۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه،

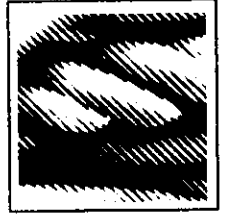
۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۶۷

۱. اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۲۶۹

۲. آل عمران: ۱۶۷

جهان اسلام با
دشمنان
مشترک و
خطرناکی
روبروست که
عقل و دین
اقتضای
وحدت در
برابر آنان را
دارند.





است. آن چیزی که خطر برای آن‌ها دارد وحدت ملت‌های اسلامی است»^۱

مسئله اساسی در این مورد، احساس وجود این دشمنی است. و اجازه تأثیرگذاری چنین دشمن مشترکی در وحدت امت اسلامی، ناشی از عدم ارزیابی و درک درست از خطر آن، از سوی ملت‌ها و دولت‌های اسلامی است.

◀ ۳-۳. مقابله با گروه‌های تندرو

همواره در میان جمعیت‌ها و دولت‌ها، افراد و گروه‌هایی هستند که نسبت به مطالبات مشترک، خواسته‌هایی بیش از حد اکثریت مردم دارند. معمولاً اکثریت مردم توقعات خود را در موازنه بنا بسیاری از واقعیت‌های سیاسی، اجتماعی تعدیل می‌کنند و در حد میانه‌ای استقرار می‌یابند. در حالی که این گروه‌ها انتظارات خویش را بسیار فراتر از حد تحمل ظرفیت و قابلیت واقعیت‌های موجود صورت می‌دهند و گاهی با حرکت‌های تند و پرفشار خود، جامعه را دچار اضطراب، ناامنی و اختلال می‌سازند.

مسلم بن حجاج از ابوهریره نقل می‌کند که پیامبر فرمودند:

«هر کس از اطاعت بیرون رود و از جماعت جدا شود و بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است و هر کس زیر پرچم ناشناخته‌ای بجنگد و برای بستگان و قبیله خود خشمگین شود یا به تعصب فامیلی دعوت کند یا آن را یاری کند و کشته شود. پس به مرگ جاهلیت مرده و هر کس بر امت من شورش کند و نیکوکار و بدکار آن را بزند و از مؤمنان آن هم دست برندارد و به عهد و پیمانی که با آنان بسته وفا نکند، از من نیست و من نیز از او نیستم»^۲

۱. صحیح نور، ج ۱۲، صص ۴۵ و ۲۶

۲. صحیح مسلم شرح النوری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۱۲، کتاب الاماره، صص ۲۳۸ و ۲۳۹، ج ۲۴۸

هم چنین مسلم از عرفجه روایت می‌کند از پیامبر شنیدم که فرمود:

«در آینده نابسامانی‌هایی پدید خواهد آمد. هر کس بخواهد اجتماع و همبستگی این امت را از هم بپاشد، او را با شمشیر بزنید، هر کس که بخواهد باشد»^۱

نمونه این گروه‌های تندرو که در زمان حضرت علی علیه السلام بروز کردند، خوارج نهروان بودند. آنان با این که در بحبوحه جنگ صفین، که نشانه‌های پیروزی آن حضرت آشکار شده بود، پس از دسیسه‌های عمرو بن عاص، با فشار از او خواستند تا حکمیت میان خود و معاویه را بپذیرد و پس از پذیرش آن توسط آن حضرت، با اصرار تمام از او خواستند تا آن را نقض کند و به قرارهای خود پشت پا بزند و وقتی با امتناع ایشان روبرو شدند، پرچم مخالفت و ستیز با او را برداشتند و دشمنی‌شان را شدت بخشیدند و سرانجام جنگ نهروان را با او به راه انداختند و مصیبت‌ها به بار آوردند و علی علیه السلام به منظور دفع فتنه آنان بیشتر آنان را از دم تیغ گذراند.

امروز نیز هستند افراد و گروه‌هایی که به گونه‌های دیگر و شعارهای متفاوت، آب به آسیاب دشمن می‌ریزند و همان اهداف شیطانی را دنبال می‌کنند و هر روز در جایی بدر نفاق و تفرقه را در میان امت اسلامی می‌افشانند.

بی‌تردید هوشیاری و مقابله با آن‌ها از سوی احاد امت اسلامی فتنه آنان را ناکام و تلاش آن‌ها را بی‌ثمر خواهد ساخت.



۱. همان، ص ۲۴۱، ج ۱۸۵۲

